



در سریال جلال گفته می‌شود چرا به شهید قاضی می‌گفتند خمینی آذربایجان  
در این سریال از نقش شهید مدنی در جنگ گفته خواهد شد که چگونه سوار  
هواپیمای باری نظامی شده و برای نجات خاک این مرز و بوم و نجات جان فرزندان  
آذربایجان به دیدار امام رفته و مقدمات آزادی سوسنگرد را فراهم می‌کند و...

معرفی سریال جلال، بزرگ‌ترین پروژه داستانی تولید شده در معاونت استان‌ها

# قصه قهرمانان آذربایجانی



سریال تاریخی ۱۵ قسمتی «جلال» محصول صدا و سیما، مرکز آذربایجان شرقی به سفارش معاونت امور استان‌های صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران بود که به مناسبت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران با روایتگری قیام مردم آذربایجان شرقی در فاصله سال‌های ۱۳۳۸ تا بیست و نهم بهمن ۱۳۵۶ هر شب از شبکه‌های یک، شما و جام جم سیما تقدیم مخاطبان شد. این پروژه با تصویربرداری در ۲۰۰ لوکیشن مختلف با ۴۵۰۰ سکانس و نقش‌آفرینی بیش از ۲۰۰ بازیگر و بیش از ۵۰۰ هنرور در کنار بازیگران اصلی، سنگین‌ترین مجموعه تولیدی صدا و سیما، مرکز آذربایجان شرقی بود. حسن نجفی کارگردان، مهدی کریمی تهیه‌کننده، امیرحسین ثروتمند نویسنده، این مجموعه را عهده‌دار بودند. حمیرا ریاضی، عمار تفتی، هادی افتخارزاده، مهران رجبی، رضا آپیک، ثنا پورسعیدی، کامیار شکیبایی، فاطمه شکری، حامد منافی، هاشم چاوشی از جمله برجسته‌ترین نقش‌آفرینان سریال جلال در کنار ۲۰۰ بازیگر بومی و بیش از ۵۰۰ هنرور بودند. در فصل اول، عوامل فنی و هنری این مجموعه تلویزیونی به زیبایی هر چه تمام واقعیت‌های موجود آن دوران و نقش مردم این خطه در به ثمر رسیدن انقلاب را در قالب زندگی جلال به ویرترین تلویزیون گذاشتند.

## انقلاب جلال

درهم آمیختگی زیبایی انقلاب با زندگی عاشقانه جلال و گره خوردگی زندگی در این دوران حساس، این مجموعه فاخر را بیش از پیش زیباتر کرد و توان صدا و سیما، مرکز آذربایجان شرقی را در ساخت سریال در سطح ملی به رخ کشید و نشان داد می‌تواند مجموعه‌هایی را تولید کند که قابل پخش از شبکه‌های ملی و حتی بین‌المللی باشد.

مسیری که حتی در ابتدای کار مورد نقد بسیاری از متخصصان این حوزه شد و بر باور آنها نمی‌گنجید که این مرکز این چنین صحنه‌های قابل باور آن زمان را طراحی و اجرا نماید، چرا که ساخت آثار نمایشی در ژانر تاریخی بسیار طاقت‌فرسا و پیچیده است. این سریال در کنار دیگر مزیت‌های خود نشان داد که شبکه سهند در درونمایه خود چه هنرمندان متخصصی را تربیت کرده که در کنار هم می‌توانند اثری تولید کنند که هم‌ردیف با آثار تولیدی شبکه‌های سراسری باشند و با آنها برابری کنند. به علاوه، برنامه‌ریزان و برنامه‌سازان آن ریسک استفاده از عوامل و هنرمندان بومی را به جان بخرند و زمینه بروز و ظهور آنها را در یک مجموعه ملی فراهم کنند.

در نگاهی دیگر، بافت قدیمی و دست‌نخورده شهر اولین‌ها به شایستگی تمام در مقابل لنزهای مختلف قرار گرفت و نشان داد که این شهر قابلیت تولید در سطح ملی را دارد و می‌تواند بستر و محفل خوبی برای تولید آثار فاخر باشد.

موفقیت بی‌چون و چرای این پروژه که یکی از

که علاوه بر معرفی آذربایجان به بیان روحيات و مناسبات فردی و اجتماعی مردم این خطه پرداخته می‌شود. شاید بتوان بنا و اماکن و تاریخ این منطقه را در قالب عکس و کتاب باز گفت، اما برای بیان بزرگی این مردم و شرح مناسبات انسانی و ارزشمند، نیاز به داستانی

## دنبشته کارگردان سریال جلال

باتو صادق بودم و خودت می‌دانی کم‌فروشی نکردم. در هیچ برهه‌ای از کار کوتاه نیامدم، چون به مردم شریف سرزمین مادری‌ام اندیشیدم. آذربایجان برای من همیشه سمبل غیرت و ایمان بوده و هست، حتی اگر از او دلگیر باشم. وقتی راه بزرگ باشد و مقدس من حق ندارم اثری سخیف بسازم. برای جلال یک همه‌اندوخته‌هایم را که لازمه این قسمت کار بود آوردم. خسته نشدم حتی اگر بی‌مهری دیده باشم و ایمانم به هدف مقدس را با بهترین‌هایی که می‌شناختم تقسیم کردم. جلال یک محصول ایمان، صداقت و تلاش جمعی بود. از دارایی بزرگ بگیرد تا فاطمی عزیز، از صفری دوست‌داشتنی تا مهدی کریمی و سالار. از حمید مهرافروز کاربلد تا مجید اسکندری دوست‌داشتنی و همه بازیگران و عوامل کار. اگر خطایی و کم و کاستی بود در جلال یک از آن من و اگر موقعیتی بوده و هست از آن همه به خصوص آنهایی که نام و نشانی از آنها ذکر نمی‌شود. من درس‌هایی بسیاری از این سریال آموختم. کوچک‌ترین درس این بود که چقدر راه برای رفتن است و ما بعد این همه سال کار، چه دانش اندکی داریم.

با احترام - حسن نجفی

است که آن را در قالب درام به صورت زیبایی به تصویر بکشد.

اثری که روح داشته باشد و دل و دیده و روح مخاطب را هدف قرار داده و تسخیر کند، لذا جلال از این لحاظ زیباست. لحظه لحظه این فیلم شرح بزرگی مردم این منطقه را به تصویر می‌کشد و تأکید بر استقامت، دل پاک، روحیه کار و سختکوشی، دل نورپذیر و حق‌باور، توجه به خانواده، نوگرایی ریشه در دین باوری، احترام به بزرگان، حق باوری و حق مداری، حضور و طلوع چهره‌های شاخص و شرح بزرگی‌شان که تنها بخش کوچکی از مفاهیم متجلی در این سریال است. اگر تا دیروز فقط نامی از دکتر مبین در مناطقی مطرح بود هم‌اکنون به مدد فصل اول سریال جلال نام و آوازه او در تمام ایران و جهان پیچیده است، چرا که کار و تولید در مدیوم شبکه سراسری و پخش هم‌زمان آن از سه شبکه یک، شما، بین‌المللی جام جم و بازپخش و تبلیغ متناوب آن موجی از توجه به آنچه می‌خواهند پدید خواهد آورد و تمام اهداف تبلیغی را برای این استان در سطح ملی و فراملی متجلی خواهد ساخت.

## درستایش تبریز و مردم آن

هدف بزرگ این سریال در فصل دوم قطعا جلب نگاه و جذب حمایت از آذربایجان است و جغرافیای داستان، تبریز خواهد بود. شهری که مملو از تاریخ است و بخش کوچکی از آن روایت خواهد شد. فصل اول جلال مختص قشر خاصی از این کشور و شهر نبود و در صندوق پستی صدا و سیما، مرکز آذربایجان شرقی و ارتباطات مردمی ۱۶۲ تشرکات آحاد مردم به خصوص آذربایجانی‌ها از هر تفکر و گرایش رami توان سراغ داشت که این سریال را ستوده‌اند. جلال پروژه‌ای ملی بود که توانست اعتبار و سطح متفاوت و رو به کمالی را برای تولیدات استان‌ها تعریف و آنتن شبکه سراسری را حدود ۱۵ روز و هر روز سه ساعت به خود اختصاص دهد.

## بزرگ‌ترین پروژه استانی

در فصل دوم این سریال که اولین و بزرگ‌ترین پروژه بزرگ معاونت امور استان‌های سازمان صدا و سیما در کارهای نمایشی است و سنگین‌ترین کار تولیدی صدا و سیما، مرکز آذربایجان شرقی در کار سریال، بیش از ۳۰۰ بازیگر دیالوگ‌دار در نقش‌های اول، دوم و سوم به نقش‌آفرینی خواهند پرداخت. این پروژه در نزدیک به ۷۰۰ سکانس مختلف با ۳۰۰۰ نفر هنرور در لوکیشن‌های متعدد به همراه ادوات نظامی، چهره‌پردازی‌های مختلف در تبریز، تهران و جنوب کشور تصویربرداری خواهد شد و در آن نقش تاریخی آذربایجان در تحولات ۴۰ سال ایران، مفاخر و شخصیت‌های به‌نام استان، تأثیر شخصیت‌های آذربایجان در دهه معاصر ایران و وقایع مختلف تاریخ تبریز و بحث پیوند قومیت‌ها و پاسداشت نام ایران نقل می‌شود. این سریال، سنگین‌ترین پروژه صدا و سیما، مرکز آذربایجان شرقی است، چرا که اولین بار است این تعداد عوامل استانی جلوی دوربین و پشت دوربین مورد استفاده قرار می‌گیرد.